ذره بین

وقتی سکوت دیگر جایز نیست

چرا روایت حسن روحانی از «بن‌بست حکمرانی» را باید باطلا نوشت؟

«صدای عقلانیت در برابر انسداد مزمن حکمرانی» این شاید دقیق‌ترین توصیف از صحبت‌های اخیر حسن روحانی باشد. «رویداد ۲۴» نوشت؛ صحبت‌هایی که نه صرفا مرور خاطرات گذشته بود و نه دفاعی شخصی از کارنامه دولت‌های یازدهم و دوازدهم؛ بلکه باید آن را مداخله‌ای سیاسی در لحظه‌ای حساس دانست؛ لحظه‌ای که کشور در بن‌بستی چندلایه گرفتار شده است. روحانی این بار نه با تابلوی اصلاح‌طلبی یا اعتدال، بلکه به نیابت از مردم سخن گفت. روحانی، برخلاف بسیاری از سیاستمداران که ترجیح می‌دهند در حاشیه امن سکوت بمانند، مستقیما مقابل جریانی ایستاد که سال‌هاست بر شریان‌های اصلی تصمیم‌گیری مسلط است، اما امروز حاضر نیست مسئولیت پیامدهای عملکرد خود را بپذیرد. این موضع‌گیری نه از سر عافیت‌طلبی، بلکه درست در نقطه مقابل آن است: ایستادن به‌تنهایی در برابر ساختاری ناکارآمد که سرنوشت یک ملت را گروگان گرفته و پاسخگوی پیامد تصمیم‌های خود نیست.

طفره از پاسخگویی؟

محور اصلی نقد روحانی متوجه جریانی است که طی سال‌های گذشته، با در اختیار داشتن منابع، ابزارها و تریبون‌ها، مسیر کشور را تعیین کرده، اما اکنون در برابر وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی موجود، شانه خالی می‌کند. تصمیم گرفته، هزینه کرده، فرصت‌ها را سوزانده و سرمایه‌های مادی و انسانی را مصرف کرده، اما اکنون که نتایج آشکار شده، از پاسخگویی طفره می‌رود. روحانی بی‌آنکه نامی ببرد، از الگویی از حکمرانی سخن می‌گوید که در آن قدرت متمرکز است، اما مسئولیت یا پراکنده می‌شود یا اساسا انکار. این همان الگویی است که شکاف میان حاکمیت و جامعه را عمیق‌تر کرده و سرمایه اجتماعی را به پایین‌ترین سطح رسانده است. همین تقابل روایتی است که سخنان او را برای برخی جریان‌ها «هزینه‌دار» کرده است. روحانی به‌خوبی می‌داند که ورود به این میدان، با حمله رسانه‌ای، تحریف و برچسب‌زنی همراه خواهد بود، اما با این حال، ترجیح داده سکوت نکند. این انتخاب، بیش از آن‌که یک حرکت سیاسی معمول باشد، نشانه یک نگاه متفاوت به حکمرانی است.

خاستگاه اصلی قدرت

نکته کلیدی در سخنان روحانی، تلاش آگاهانه او برای عبور از جایگاه «رئیس جمهور سابق» و تبدیل شدن به «صدای یک مطالبه عمومی» است. او نمی‌گوید راه حل، بازگشت یک فرد یا یک دولت خاص است؛ بلکه تأکید می‌کند که بدون بازگشت به خاستگاه اصلی قدرت، یعنی اراده ملت، هیچ اصلاحی پایدار نیست. این موضع، عملا نقدی صریح به سیاست حذف و محدودسازی مشارکت عمومی است؛ سیاستی که نتیجه آن، کاهش اعتماد، بی‌تفاوتی سیاسی و شکاف عمیق میان جامعه و حاکمیت بوده است.

هشدار روحانی

شاید مهم‌ترین بخش سخنان روحانی، تأکید او بر مفهوم «فرصت» در سیاست خارجی باشد. وقتی می‌گوید: «برخی فرصت‌ها قابل تکرار نیستند»، در واقع وی به یکی از اصول بنیادین روابط بین‌الملل اشاره می‌کند: زمان، عنصر تعیین‌کننده سیاست است. او با اشاره به دوران اوباما و بایدن، یادآوری می‌کند که برجام می‌توانست نقطه آغاز یک مسیر باشد، نه پایان آن؛ مسیری که به‌دلیل اراده‌ای در داخل، متوقف شد. از این منظر، نقد روحانی متوجه صرفا طرف خارجی نیست، بلکه متوجه تصمیم‌گیرانی است که اجازه ندادند این مسیر ادامه یابد؛ مراحلی که می‌توانست به کاهش پایدار تنش، بهبود اقتصاد و بازگشت ایران به چرخه طبیعی اقتصاد جهانی منجر شود. او عمدا از واژه «فرصت» استفاده می‌کند؛ مفهومی که در سال‌های اخیر، قربانی نگاه ایدئولوژیک و تصمیم‌گیری‌های تعلیقی شده است. یکی از مهم‌ترین بخش‌های سخنان روحانی، جایی است که از «امروز» صحبت می‌کند: اینکه حتی همین حالا هم ممکن است اقداماتی در سیاست خارجی ممکن باشد که «۶ ماه دیگر امکان آن نباشد». این جمله، نه تحلیل تاریخی، بلکه هشداری فوری است. روحانی تأکید می‌کند که زمان، عامل تعیین‌کننده در سیاست خارجی است. کشوری که تصمیم‌گیری را به تعویق می‌اندازد، عملا اختیار را به تحولات بیرونی واگذار می‌کند. این همان وضعیتی است که ایران امروز با آن مواجه است؛ کاهش گزینه‌ها، افزایش هزینه‌ها و بسته شدن تدریجی مسیرهای دیپلماتیک.

آخرین راه

جمع‌بندی سخنان روحانی، پیامی روشن و بی‌پرده دارد: ادامه مسیر کنونی ممکن نیست. نه اقتصاد تاب آن را دارد، نه جامعه و نه سیاست خارجی. راه برون‌رفت، نه در انسداد بیشتر، بلکه اصلاح مسیر، بازگشت به مردم و بازتعریف اولویت‌های ملی است. این هشدار، نه تهدید است و نه اغراق؛ بلکه توصیف واقعیتی است که هر روز در زندگی مردم قابل مشاهده است. نادیده‌گرفتن این واقعیت، هزینه‌هایی به‌مراتب سنگین‌تر از پذیرش اصلاحات عقلانی خواهد داشت.

«آرمان ملی» انتقادات به عملکرد دولت را بررسی می‌کند

از توصیه‌های مشفقانه حامیان تا تخریب مخالفان

جبهه اصلاحات خطاب به رئیس جمهور: وفاق بدون اصلاحات واقعی موجب کاهش اعتماد عمومی می‌شود

آرمان ملی- حمید شجاعی: عملکرد دولت در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در مساله اقتصادی و معیشتی با انتقاداتی روبه‌رو بوده که این انتقادات را می‌توان از جهات مختلفی مورد بررسی قرار داد. در این میان با ۳ دسته از انتقادات مواجه هستیم که هر کدام را می‌توان در بافت موقعیتی خود مورد تحلیل و بررسی قرار داد. نخست جامعه که به‌واسطه رأیی که به مسعود پزشکیان داده بودند امیدوار بودند که حتی‌الامکان شرایط اقتصادی و معیشتی عموم مردم نسبت به گذشته تغییر کند و دولت گام‌هایی در جهت بهبود شرایط بردارد. هر چند که اگر از نگاه دولتی‌ها نیز بخواهیم به مساله نگاه کنیم آنها نیز مسائل و موانع مختلفی را در مسیر عملکرد ۱۶ ماهه خود مطرح می‌کنند، مانند تحریم‌ها که بر عملکرد دولت تاثیر قطعی داشته است. با این حال نباید از یاد برد که نخستین و مهم‌ترین مشکل و مساله جامعه مشکلات اقتصادی بوده و هست و از همین‌رو نیز عملکرد دولت‌ها هر اندازه نیز در حوزه‌های دیگر مثبت و چشمگیر باشد برای مردم مهم عملکرد اقتصادی دولت است که تاثیر مستقیم بر سفره و معیشت آنها دارد و بر همین اساس قضاوت جامعه نسبت به عملکرد دولت‌ها بر مبنای توفیق یا عدم توفیق در رفع مشکلات اقتصادی بوده است. لذا انتظار جامعه از پزشکیان و دولت چهاردهم این بوده که در حوزه اقتصادی مطابق وعده‌های داده شده عمل کند. هر چند که دولت نسبت به دولت‌های قبل از خود عملکرد مثبت و موثر داشته است. لذا انتقاد جامعه بیش از انتقاد نوعی مطالبه‌گری حقوق است که از دولت انتظار دارد. اما دسته دوم، انتقاد جریان حامی دولت است که از عملکردها راضی نیست و به‌رغم انتقادات برای رفع کاستی‌ها و حرکت در مسیر بهبود به دولت راهکار نیز می‌دهد که برای حرکت از وضع موجود به سمت شرایط مطلوب دولت چه تصمیمات و اقداماتی را باید در دستور کار قرار دهد و همزمان انذار هم می‌دهد که اگر دولت نتواند به مطالبات و خواسته‌های مردم جامعه عمل بپوشاند و درصدد تحقق وعده‌های داده شده بر نیاید، سرمایه اجتماعی پشتیبان دولت به جمعیت منتقد و معترض تبدیل خواهند شد. لذا این نقد را نیز می‌توان منصفانه و مشفقانه در مسیر خیر و صلاح دولت قلمداد کرد. اما دسته سوم برخلاف دو دسته قبل نگرش دیگری دارند و نقدشان نه مطالبه‌گری است و نه مشفقانه. دسته سوم تندروهایی هستند که تحت هر شرایط دست به مقابله با دولت می‌زدند و رویکردشان نه نقد در جهت اصلاح و بهبود بلکه نقد تخریبی در جهت سیاه‌نمایی و ناکارآمد نشان دادن دولت است که به جامعه نشان دهند این دولت توانایی لازم برای اداره امور کشور را ندارد. لذا اینها نه تنها راهکاری نشان نمی‌دهند بلکه صرفا بر طبل یاس و ناامیدی می‌کوبند و اگر هم بخواهند مدلی را معرفی کنند، دولتی را مثال می‌زنند که بارها در خصوص عملکرد اقتصادی‌اش و ناترازی‌های برجای مانده از آن سخن به میان آمده است. در نتیجه نمی‌توان این جریان و نقدشان را خیرخواهانه خواند. در واقع آنها درصدد زمینگیرکردن دولت هستند. به‌نظر می‌رسد که دولت پزشکیان باید اقدامات و تصمیمات خود را با تکیه بر راهکارهای کارشناسان و نخبگان جریان حامی قرار دهد، در مسیر حل مشکلات اقتصادی مردم قدم بردارد تا از میزان نارضایتی‌ها کاسته شده و رضایتمندی مردم بالاتر رود.

نامه جبهه اصلاحات

اخیرا جبهه اصلاحات ایران به‌عنوان حامی رسمی و اصلی رئیس جمهور در انتخابات در نامه‌ای به مسعود پزشکیان، نسبت به وفاق بدون اصلاح هشدار داده است. در نامه این تشکل سیاسی به رئیس جمهور آمده است: انتخاب جناب‌عالی با امید به اصلاح حکمرانی، بازسازی اعتماد عمومی، کاهش تنش‌های داخلی، گشودن مسیر تعامل سازنده با جهان و احیای سرمایه اجتماعی در فرآیند تصمیم‌گیری صورت گرفت. با این حال، گذشت ماه‌ها از آغاز به‌کار دولت، نشانه‌هایی نگران‌کننده از کندی اصلاحات، ضعف انسجام و ناهماهنگی در مدیریت اجرایی را آشکار ساخته است که در صورت تداوم، می‌تواند به فرسایش توان دولت و تضعیف پشتوانه مردمی آن بینجامد. جناب‌عالی بارها بر بهره‌گیری از پشتوانه مردم و ظرفیت‌های قانونی برای پیشبرد اصلاحات ساختاری تأکید کرده‌اید؛ با وجود این، آنچه امروز مشاهده می‌شود، تعلیق تصمیم‌های ضروری و استمرار بخش‌هایی از وضع موجود است. از جمله: اصلاح ساختار بودجه سال ۱۴۰۵ و شفاف‌سازی ردیف‌هایی که خارج از نظارت مؤثر دولت و بدون پاسخ‌گویی عمومی هزینه می‌شوند، عملا آغاز نشده است؛ در حالی‌که این ردیف‌ها سهم قابل توجهی در اتلاف منابع، تعمیق رانت و بازتولید فساد ساختاری دارند. در ادامه این نامه آمده است: تورم، به‌ویژه در اقلام اساسی و خوراکی، به سطحی نگران‌کننده و نزدیک به ۷۰ درصد رسیده و فشار معیشتی بر کارگران، بازنشستگان و حقوق‌بگیران، به آستانه یک بحران اجتماعی نزدیک شده است. بخش بزرگی از اقتصاد کشور برآوردی بیش از ۵۰ تا ۶۰ درصد خارج از نظام شفافیت، مالیات و نظارت فعالیت می‌کند و در عین بهره‌مندی گسترده از منابع ارزی، ریالی، انرژی، زمین و امکانات ملی، به یکی از کانون‌های اصلی رانت و فساد بدل شده است. در ادامه این نامه آمده است: دولت از فقدان نظم، هماهنگی و انسجام مدیریتی رنج می‌برد و متأسفانه بخشی از اعضای کابینه، به‌جای تمرکز بر حل مسائل فوری مردم در حوزه مسئولیت خود، درگیر ملاحظات شخصی، شبکه‌های وابسته و منافع منسوبان خویش هستند؛ امری که به‌طور جدی کارآمدی دولت را تضعیف کرده است. وفاقی که با اصلاحات واقعی، شفاف و قابل ارزیابی همراه نباشد، نه‌تنها موجب تقویت دولت نخواهد شد، بلکه به کاهش اعتماد عمومی و فرسایش سرمایه اجتماعی منجر می‌شود.

انتظارات مطرح شده

در نامه جبهه اصلاحات به رئیس جمهور به مساله مهم سیاست خارجی نیز اشاره شده است که با توجه تحولات اخیر منطقه‌ای و بین‌المللی سیاست خارجی کشور نیازمند بازنگری فوری، تصمیم‌گیری منسجم و فعال‌سازی واقعی دیپلماسی است. تداوم وضعیت موجود، خطر تشدید فشارهای اقتصادی و سیاسی را افزایش می‌دهد. احیای نقش فعال ایران در مناسبات بین‌المللی، بدون اصلاحات داخلی و بازسازی اعتماد عمومی امکان‌پذیر نخواهد بود. همچنین در این نامه هشدار داده شده که تداوم بی‌تصمیمی و کندی اصلاحات، نه‌تنها پایگاه اجتماعی جریان اصلاح‌طلب، بلکه حمایت عمومی از دولت را نیز تضعیف کرده و می‌تواند زمینه را برای بازگشت جریان‌های افراطی فراهم سازد. جبهه اصلاحات انتظارات مشخصی را نیز از دولت مطرح کرده است که دولت در یک بازه زمانی مشخص در جهت تحقق آنها حرکت کند انتظاراتی همچون اصلاح ساختار بودجه ۱۴۰۵ با تمرکز بر حذف یا محدودسازی ردیف‌های غیرشفاف و غیرپاسخ‌گو و ارائه گزارش عمومی از نحوه هزینه‌کرد منابع؛ ایجاد سازوکارهای نهادی و الزام‌آور برای پیشگیری از فساد و رانت، با تمرکز بر تعارض منافع، شفافیت مالی و پاسخ‌گویی مدیران؛ بازنگری مؤثر در سیاست خارجی و فعال‌سازی دیپلماسی به‌منظور کاهش تنش‌ها و جلوگیری از افزایش فشارهای اقتصادی و سیاسی و کاهش محدودیت‌های اینترنت و تضمین دسترسی برابر، قانون‌مند و پایدار همه شهروندان، همراه با برنامه‌ای روشن برای بهره‌گیری از تحولات شتابان فناوری اطلاعات. جبهه اصلاحات همچنین آمادگی خود را نیز برای کمک به دولت ئر جهت پیشبرد این اصلاحات اعلام کرده است. حال باید دید که موضوع دولت در قبال این دست یاری چه خواهد بود و رئیس جمهور و مجموعه دولت آن را خواهند پذیرفت یا خیر.

«آرمان ملی» در گفت‌وگویی آخرین تحولات منطقه را بررسی می‌کند

آژیر خطر داعش در خاورمیانه

حسن هانی‌زاده: آینده سوریه نامطمئن است

آرمان ملی- گروه سیاسی: تغییرات بنیادی در خاورمیانه، به‌ویژه در مورد سوریه و عراق، تصویری پیچیده و درهم‌تنیدگی بحران‌های امنیتی، سیاسی و اجتماعی را پیش روی افکار عمومی منطقه قرار داده است. در این میان، ظهور و سپس قدرت‌گیری تدریجی داعش نه به‌عنوان یک رویداد ناگهانی، بلکه به‌مثابه محصول خلأهای ساختاری قابل بررسی است. این گروه با بهره‌گیری از ناامیدی‌های اجتماعی، روایت‌های افراطی و فضای بی‌ثباتی، توانست گام به‌گام نفوذ خود را در بخش‌هایی از سوریه و عراق گسترش دهد و معادلات امنیتی منطقه را دستخوش تغییر کند. هم‌زمان، نقش بازیگران فرامنطقه‌ای مانند آمریکا در این تحولات همواره محل مناقشه بوده است. سیاست‌های متغیر واشنگتن، از مداخله مستقیم تا حمایت‌های غیرمستقیم و ائتلاف‌های مقطعی، پرسش‌هایی جدی در میان مردم منطقه برانگیخته است؛ از جمله درباره نسبت این سیاست‌ها با تداوم یا مهار افراط‌گرایی. برخی برداشت‌ها در افکار عمومی بر این باور استوار شده که حمایت از ساختارهای سیاسی موجود در سوریه در کنار پیچیدگی‌های میدانی و هم‌پوشانی منافع گروه‌های مختلف به شکل ناخواسته به بازتولید فضاهایی انجامیده که جریان‌های تندرو از آن سود برده‌اند. روند این کشور بعد از سقوط اسد روندی نزولی را در پیش دارد. باید به این مورد هم اشاره کنیم که آمریکا روز جمعه طی حملات هوایی گسترده‌ای مواضع داعش در سوریه را هدف قرار داد. این حملات در واکنش به کشته شدن دو سرباز و یک مترجم آمریکایی در حمله تروریستی هفته گذشته در سوریه انجام شد. ترامپ پیش‌تر اعلام کرده بود که انتقام کشته شدن این پرسنل آمریکایی را خواهد گرفت. در مورد آخرین وضعیت سوریه و روند تحرکات داعش با یکی از تحلیلگران گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

نرمش جولانی در برابر آمریکا

حسن هانی‌زاده، تحلیل‌گر مسائل خاورمیانه پاسخ به اینکه آینده سوریه با قدرت‌گرفتن داعش را چگونه توصیف می‌کند؟ به خبرنگار «آرمان ملی» می‌گوید: «با وجود ساختار پیچیده اجتماعی و تنوع طایفه‌ای در سوریه باید بگوییم که سلیقه‌های متعددی به چشم می‌خورد و این مورد باعث شکل‌گیری اجماع در برابر تحرکات داعش را نمی‌دهد. با توجه به شرایط فعلی دمشق که در اختیار گروهای شبه تروریستی است، آینده این کشور قابل پیش‌بینی نیست. حاکمیت جدید سوریه یعنی هیات تحریرالشام، نگاه کاملا طایفه‌ای به جامعه دارند و این امر خطر تشدید تنش‌های داخلی را افزایش داده است. در چنین فضایی، آمریکا، کشورهای عرب منطقه و اسرائیل تلاش دارند تا وضعیت دمشق همچنان متزلزل باشد. در صورتی‌که حتی شاهد تجزیه کامل سوریه هم باشیم باید بگوییم که در واقع از سوی این نیروها برنامه‌ریزی شده است.» او در همین مورد و با اشاره به خطرهایی که سوریه را تهدید خواهد کرد، ادامه می‌دهد: «در صورتی‌که احمد الشرع این مأموریت را انجام دهد، احتمال دارد همان سرنوشتی که برای انورسادات رقم خورد، در انتظار او نیز باشد. در نهایت، به نظر می‌رسد آینده‌ای مبهم و نامطمئن برای دولت کنونی دمشق رقم خواهد خورد؛ آینده‌ای که در آن، او مأموریتی مشخص برای همسوسازی سوریه با اسرائیل دارد، اما پس از اجرای این مأموریت، احتمالا جای خود را به چهره‌ای دیگر در حاکمیت آینده سوریه خواهد داد. با توجه به حضور جولانی در کاخ سفید می‌توانیم به این نتیجه برسیم که او به شخصیت محبوب غرب تبدیل شده زیرا در برابر هر خواسته از سوی آمریکا و اسراییل نرمش نشان خواهد داد.»

افزایش نگرانی‌ها در بغداد

باتوجه به تلاش‌هایی که دولت مستقر در بغداد برای ممانعت از تکرار سناریوی اشغالگری داعش در عراق در سال ۲۰۱۴ انجام می‌دهد. پرونده اردوگاه الهول در سوریه همچنان یکی از چالش‌های پیش‌روی بغداد است چرا که یک مرکز احتمالی برای ایجاد مجدد گروه‌های افراطی است. ابورضا النجار، معاون فرمانده عملیات شرق دجله در عراق گفت: «نیروهای امنیتی و حشدالشعبی طرح‌های عملیاتی را برای پیگرد تروریست‌های داعش چه در داخل عمق عراق و چه در طول نوار مرزی دارند. عملیات پیش‌دستانه طی دوره گذشته منجر به حملات موثری علیه داعش شد. نیروهای امنیتی موفق شدند تعدادی از باندها و تجهیزاتشان را در مناطقی از کرکوک از بین ببرند. هماهنگی بالا بین دستگاه‌های اطلاعاتی و نیروهای میدانی عامل سرنوشت‌ساز در ناکام گذاشتن هرگونه طرح تروریستی است.» محمد العلی، سرتیپ بازنشسته عراقی در همین مورد بیان داشت: «داعش استراتژی متفاوتی با قبل دارد و به باندهای کوچک مستقلی تبدیل شده که به غافلگیری و فرسایش تکیه می‌کنند و بیشتر از آنکه دنبال کنترل مناطق باشند درصدد اثبات وجود خود هستند. تحولات منطقه‌ای به ویژه در سوریه به داعش فرصتی را برای موضع‌گیری مجدد می‌دهد اما لزوما به معنای بازگشت آن نیست.»

هشدار آمریکا به داعش

بعد از کشته‌شدن سربازان آمریکایی که داعش مسئولیت آن را برعهده گرفت، رئیس جمهور آمریکا به این گروه تروریستی هشدار داد. دونالد ترامپ مدعی شد که حملات هوایی آمریکا به مواضع گروه تروریستی داعش کاملا توسط کابینه موقت سوریه به ریاست احمد الشرع حمایت می‌شود و قول داد که اگر تروریست‌ها سعی در حمله یا تهدید ایالات متحده داشته باشند، آنها را سخت‌تر از همیشه هدف قرار دهد. ترامپ که پیش‌تر مدعی ریشه‌کن شدن داعش شده بود، در حساب کاربری خود در توییتر نوشت: «ما با قدرت تمام در حال حمله به پایگاه‌های داعش در سوریه هستیم، جایی‌که غرق در خون است و مشکلات زیادی دارد، اما اگر داعش ریشه‌کن شود، آینده‌ای روشن خواهد داشت.» رئیس جمهور آمریکا اضافه کرد: «بدین‌وسیله به همه تروریست‌هایی که به اندازه کافی شرور هستند که به آمریکایی‌ها حمله کنند، هشدار داده می‌شود، اگر به هر نحوی به ایالات متحده حمله یا آن را تهدید کنید، ضربه‌ای سخت‌تر از هر زمان دیگری خواهید خورد.» پیش از این، پیت هگست، وزیر جنگ ایالات متحده، در پاسخ به حمله به سربازان آمریکایی در پالمیرای سوریه، عملیات حمله هاوک‌آی را در سوریه اعلام کرد.

گزارش

پایان ماه عسل در شهرداری تهران

شکاف میان اصولگرایان پس از اصلاح قانون در مجلس

ماه عسل علیرضا زاکانی و شورای شهر به پایان رسیده است. پس از حضور نمایشی زاکانی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ او توانست دل جریان اصولگرا را به دست آورد و خود را به بهشت برساند. اما شورای شهر تمام اصولگرا هم در حمایت از او یکدست نبود و به‌تدریج مشخص شد که مسیر بخشی از اعضای شورا از شهردار تهران جداست. خبرآنلاین نوشت؛ زاکانی نخستین شهردار اصولگرا پس از دوران قالیباف بود و همین موضوع باعث می‌شد عملکرد و جایگاه او در نسبت با قالیباف سنجیده شود؛ به‌ویژه از سوی کسانی‌که گرایش بیشتری به طیف قالیباف داشتند. در سال‌های گذشته مهدی چمران، رئیس شورای شهر، مهم‌ترین حامی زاکانی محسوب می‌شد؛ اما او نیز پس از تحولات اخیر به جمع منتقدان پیوست و نشان داد که «بهار» رابطه زاکانی و شورا به «خزان» رسیده است. شکاف ایجادشده آن‌قدر عمیق است که بعید به نظر می‌رسد رابطه شهرداری و شورا ترمیم شود. از یک سو، تصویب آیین‌نامه جدید در مجلس مسیر بازگشت زاکانی به شرایط باثبات را دشوارتر کرده است. از همان ابتدای مطرح شدن نام او برای شهرداری تهران، بسیاری این انتخاب را زیرسؤال می‌بردند؛ چرا که تحصیلاتش ارتباطی با مدیریت شهری نداشت. با این حال، وزارت کشور دولت رئیسی حکم او را تأیید کرد. محمدصالح مفتاح، رئیس کمیته سیاسی جمعیت پیشرفت و عدالت، نزدیک به قالیباف، از جمله معترضان بود که در دیوان عدالت اداری خواستار ابطال حکم زاکانی شد. اما این مخالفت‌ها به جایی راه نبرد و حمایت جریان اصولگرا تاکنون او را در جایگاه شهردار نگه داشته است. پس از مصوبه مجلس اخیر مجلس اما موضوع بی‌ربط بودن تحصیلات زاکانی به شهرداری جدی‌تر شد.

حکمرانی نمایشی؟

از سمت دیگر برخی اعضای شورا که نزدیک به طیف قالیباف هستند رابطه پرتنشی با زاکانی داشته‌اند؛ طوری‌که از این نوع رابطه به نظر می‌رسید افراد این چنینی در شورای شهر آینده دست بالا پیدا کنند، جایی برای زاکانی در شهرداری نخواهد بود. مهدی اقراریان از جمله افرادی است که شهرداری زاکانی را مصداق «حکمرانی نمایشی» می‌داند و اخیرا در صحن شورا به نصب گسترده عکس‌های زاکانی در بیلبوردها و انتشار رایگان روزنامه همشهری در نماز جمعه اعتراض کرد. سید جعفر شربیانی، عضو هیأت رئیسه شورا، نیز با انتقاد از بزرگ‌نمایی تبلیغاتی شهرداری گفت: «این مدیریت شهری مدعیات زیادی دارد و یکی از پرمدعاترین دوره‌هاست.» با این حال، مهدی چمران در این سال‌ها نقش ضربه‌گیر زاکانی را ایفا می‌کرد. برای نمونه در مورد مصوبه مجلس در ارتباط با انتخاب شهرداران هم به حمایت از زاکانی درآمد و با تأکید بر اینکه این مصوبه عطف به ماسبق نمی‌شود، بیان داشت: «وقتی شهردار انتخاب و تأیید شده، دیگر نمی‌توان به عقب برگشت». در این میان اما یک جلسه شورای شهر باعث شد که رابطه خوب چمران و زاکانی هم شکراب شود. ماجرا از جلسه ماه قبل شورای شهر آغاز شد که علیرضا زاکانی غیرمنتظره وارد صحن شورای شهر شد و در اظهاراتی شورای شهر را به بی‌قانونی و خیانت در امانت متهم کرد. این رفتار علیرضا زاکانی که به نوعی یادآور یکشنبه سیاه سال ۹۱ بود که رئیس دولت وقت که اتفاقا شمایلی نزدیک به او داشت رقم زده بود. در پی این جلسه جنجالی چمران هم در صحن شورا به طور علنی از شهردار انتقاد کرد. او در جلسه بعدی افزود: «نوک تیز حمله به سوی بنده بود و این مزد حمایت‌هایی است که از شهرداری کردیم.»

قالیبافی‌ها علیه زاکانی‌ها

اضافه شدن چمران به منتقدان از این جهت اهمیت دارد که او ارتباط نزدیکی با محمدباقر قالیباف دارد و حالا در حالی‌که انتخابات شوراها در سال ۱۴۰۵ برگزار خواهد شد پازل صف‌آرایی‌های قالیبافی‌ها را در برابر زاکانی‌ها تکمیل می‌کند. اما احتمالی که نمی‌توان آن را نادیده گرفت آن است که زاکانی پس از آنکه متوجه شده قالیبافی‌هایی مثل چمران هم در چند ماه باقی مانده به انتخابات ۱۴۰۵ به او تمایل ندارند زبان گزنده خود را متوجه شورا کند. به هرحال، این وضعیت جز آنکه راه زاکانی برای ابقا در بهشت را سخت می‌کند، نشان‌دهنده شعباتی در دل جریان اصولگراست که اتحاد مجدد در انتخابات شوراها را مورد تردید قرار می‌دهد و به احتمال زیاد به صف‌آرایی اصولگرایان در برابر همدیگر در انتخابات شوراها می‌انجامد که یک سر آن خیزش قالیبافی‌هاست.

تحرک در سکوت!

در کنار دو طیف زاکانی‌ها و قالیبافی‌ها، نام مهرداد بذرپاش نیز به‌عنوان گزینه احتمالی شهرداری در شورای هفتم شنیده می‌شود. شاید بذرپاش تفاوت ماهوی با علیرضا زاکانی نداشته باشد و اما در ظاهر هم که شده برخلاف زاکانی می‌تواند ادبیات خود را در ظاهر کنترل کند؛ هرچند که او مدتی صاحب امتیاز روزنامه «وطن امروز» بود و ادبیاتی که زاکانی در کلام به کار می‌برد را نه خود بذرپاش بلکه روزنامه‌اش به کار می‌برد. بذرپاش زمانی‌که محمود احمدی‌نژاد، شهردار تهران بود گروه مشاوران جوان شهردار تهران را تشکیل داد و یکی از همراهان کاروان احمدی‌نژاد در مسیر بهشت به پاستور بود. در سال ۱۴۰۰ هم کاندیداهای شهرداری تهران شده بود اما وزارت راه دولت رئیسی را به شهرداری تهران ترجیح داد. با پایان زودهنگام دولت سیزدهم توقفی در پله‌های ترقی بذرپاش در مسیر سیاسی رخ داد و حالا از تحرکات اطرافیان بذرپاش خبرهایی به گوش می‌رسد.

جراحی زیبایی!

شاید نزدیک به دو سال نشستن بر صندلی وزارت راه اصولگرایان را کمی بتواند مجاب کند که عمل جراحی زیبایی برای شهرداری تهران داشته باشند. بذرپاش، مدرک کارشناسی ارشد در مدیریت اجرایی و دکتری مدیریت تکنولوژی گرفته و به‌نظر می‌رسد اصولگرایان دست‌شان برای قراردادن او در شهرداری بازتر باشد. هرچند که سوابق بذرپاش هم بدون حرف و حدیث نبوده است.